

**Journal iranian political sociology**

**Vol. ۵, No.۷, Mehr ۲۰۲۲**

**<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.321449.2856>**

**Analysis of the Egyptian Revolution from the perspective of the separatist school of justice**

Abstract

The school of segregation is one of the schools of thought that has become important in Shiite thought and seminaries. This school is basically an epistemological and methodological theoretical expression in terms of how to understand religious texts, which emphasizes the distinction between the three methods in a particular type of religious knowledge, namely, narration, philosophy and mysticism. This article uses a descriptive-analytical method with the aim of discovering the study of justice and installments in the wise political views and behavior towards politics and governance, including the revolution in the formation of the Egyptian revolution, seeks to answer the question of how the Egyptian revolution can be Analyzed the angle of the school of justice? The hypothesis presented in this regard is that in the formation of the Egyptian revolution, this view of the school of segregation that has influenced the fundamental changes in politics and political functions, especially by emphasizing the issue of installment and justice in the eyes of Hakimi. In the end, it can be concluded that in the process of revolutionary struggles in Egypt, the political behavior of the Muslim Brotherhood movement, the people and the government in practice, included participation in political struggles and in the theoretical field included participation in politics.

key words:

School of Separation, Egyptian Revolution, Muslim Brotherhood, Justice and Revolution

## تحلیل انقلاب مصر از زاویه عدالت خواهی مکتب تفکیک

قادر پناهی قدیم<sup>۱</sup>احسان شاکری خوئی<sup>۲</sup>رضا نصیری حامد<sup>۳</sup>علیرضا اسمعیل زاد<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

## چکیده

مکتب تفکیک یکی از مکاتب فکری است که در اندیشه شیعی و حوزه های علمیه اهمیت یافته است. این مکتب اساساً بیان نظریه ای معرفت شناختی و روش شناختی در خصوص چگونگی فهم متون دینی است که در آن بر تمایز سه روش در نوعی خاص از معرفت دینی، یعنی نقل، فلسفه و عرفان از یکدیگر تأکید می شود. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی با هدف کشف بررسی عدالت و قسط در آرا و رفتار سیاسی حکیمی نسبت به سیاست و حکمرانی و از جمله انقلاب در شکل گیری انقلاب مصر در پی پاسخ به این سؤال است که انقلاب ۲۰۱۱ مصر را چگونه می توان از زاویه عدالت خواهی مکتب تفکیک تحلیل نمود؟ فرضیه ای که در این راستا ارائه شد عبارت است از اینکه در شکل گیری انقلاب مصر، این نگاه مکتب تفکیک که بر تغییرات بنیادین سیاست و کارکردهای سیاسی به ویژه با تأکید بر مقوله قسط و عدالت در نزد حکیمی تأثیرگذار بوده است. بنابراین نتیجه ای که در پایان می توان گرفت این است که در فرایند مبارزات انقلابی در مصر، رفتار سیاسی جنبش اخوان المسلمین، مردم و دولت در عمل، شامل مشارکت در مبارزات سیاسی و در حوزه نظری شامل مشارکت در سیاست بوده است.

واژگان کلیدی: مکتب تفکیک، انقلاب مصر، اخوان المسلمین، عدالت و انقلاب.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

Email: Stu.g.panahi@iaut.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

Email: ehsanshakeri@iaut.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

Email: r.nasirihamed@tabriz.ac.ir

<sup>۴</sup> استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

Email: a.ismailzad@gmail.com

مکتب تفکیک<sup>۱</sup>، مکتب جداسازی و ناب‌سازی فکر و شناخت قرآنی از شناخت بشری، و رهاندن آن از تأویلات و امتزاج با دیگر افکار بیان شده است. امروزه محمدرضا حکیمی بعنوان مشهورترین چهره این مکتب و ادامه دهنده راه آنها شناخته می‌شود. مکتب تفکیک نظرات مشخصی در حوزه سیاست ندارد و در برخی مسائل سیاسی و اجتماعی، مانند امر به معروف و نهی از منکر و عدالت معتقد به همان احکام اسلامی است که از ابتدای اسلام ابلاغ شده و اسلام - مخصوصاً مذهب تشیع - به آن پای بند بوده است. سؤال اصلی این مقاله این است که انقلاب ۲۰۱۱ مصر را چگونه می‌توان از زاویه عدالت خواهی مکتب تفکیک تحلیل نمود؟ فرضیه ای که در این راستا ارائه شد عبارت است از اینکه در شکل‌گیری انقلاب مصر، این نگاه مکتب تفکیک که بر تغییرات بنیادین سیاست و کارکردهای سیاسی به ویژه با تأکید بر مقوله قسط و عدالت در نزد حکیمی تأثیرگذار بوده است.

اهداف از انجام این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، بررسی علل شکل‌گیری انقلاب مصر براساس مکتب تفکیک می‌باشد. زیرا ناآرامی‌هایی که در سال ۲۰۱۱ جهان عرب را در بر گرفت و در برخی از کشورها نظیر تونس و مصر زمینه ساز پیروزی انقلاب گردید انعکاسی از فشارهای محیط بین الملل در کنار ناکارآمدی نهاد دولت در داخل بود (Zibae, ۱۴۰۰:۸) و همین امر نشان از اهمیت این موضوع برای بررسی با استفاده از رویکرد عدالت خواهی مکتب تفکیک دارد که هدف از انجام این مقاله تحلیل انقلاب مصر با این رویکرد عدالت خواهی می‌باشد.

#### ۱- پیشینه

کتاب **روبایی خلوص بازخوانی مکتب تفکیک**: نوشته سید حسن اسلامی که در آن بیشتر نظرات محمدرضا حکیمی را به عنوان یکی از متفکرین شاخص این مکتب مورد بررسی قرار داده است و در توضیح و تشریح مکتب تفکیک مکتب جداسازی سه راه و روش معرفت و سه مکتب شناختی در تاریخ شناخت تعاملات و تفکر انسانی یعنی راه و روش قرآن، فلسفه، عرفان است که بیشتر نقد معرفت شناختی و نقد اخلاقی است و در آن به دلالت- های سیاسی این مکتب پرداخته نشده است. در صورتی که این مقاله در پی بررسی دلالت های سیاسی این مکتب است و به جنبه اخلاقی و معرفت شناختی تکیه ندارد.

کتاب **آیین و اندیشه بررسی مبانی و دیدگاههای مکتب تفکیک**: نوشته محمد موسوی: در این اثر نیز به مانند مابقی آثار بیشتر به نقد و بررسی مکتب تفکیک پرداخته شده است و نشان می‌دهد که خود تفکیکیان برخلاف ادعایشان در ارائه افکار خود از مبانی منطقی و فلسفی استفاده می‌کنند. عمده مباحث این کتاب مبتنی بر نقد این مکتب می‌باشد در صورتی که ما در این تحقیق با رویکردی نقادانه به بررسی این مکتب نمی‌پردازیم بلکه بدون هیچ پیش داوری در پی بررسی دلالت های سیاسی آن هستیم.

کتاب **نقد و بررسی نظریه تفکیک**: نوشته محمد رضا ارشادی نیا که به بررسی آرا و نظرات تفکیکیان پرداخته که نسبت به آثار قبلی موجود در این حوزه توجه بیشتری به اندیشه های سیاسی و اجتماعی این مکتب شده و توازن

<sup>۱</sup> . School of Separation

مناسبی را در چارچوب بندی این اثر بوجود آورده است. نقطه قوت این مقاله نسبت به کتاب نام برده این است که تمام ابعاد این مکتب را بررسی نمی کند و به طور تخصصی تنها دلالت های سیاسی این مکتب را به طور جامع و کامل شرح می دهد.

کتاب تاریخ و نقد مکتب تفکیک: نوشته شیخ محمد حسن وکیلی که در آن به تاریخچه مکتب، عقاید مکتب، نقد روش شناسی مکتب و نوع جهان بینی و اعتراضات آنها بر فلسفه اسلامی پرداخته و نکات ضعف آن را به چالش کشیده است. نقطه ضعف این کتاب این است که تنها به جنبه های فلسفی و عرفانی تکیه داشته و جنبه های سیاسی که در این تحقیق مورد تأکید است را از قلم انداخته است.

## ۲- مبانی نظری

این بخش به دو قسمت چارچوب مفهومی و روش شناسی هرمنوتیک اسکینر تقسیم می شود که عبارت است از:

### ۲-۱- چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی شامل تعریف دو مفهوم انقلاب و عدالت است.

#### ۲-۱-۱- انقلاب

در یونان کلاسیک، "انقلاب" به عنوان روشی عادی برای تصاحب قدرت توسط رژیم های مختلف در نظر گرفته می شد. آنها هر زمان که رژیم های دموکراتیک، الیگارشسی و سلطنتی در تصاحب قدرت متناوب می شدند اتفاق می افتاد و چنین تناوبی از قدرت سیاسی اغلب از طریق خشونت صورت می گرفت (Tiruneh, ۲۰۱۴: ۵).

از آنجا که از «انقلاب»<sup>۱</sup> برای توصیف دگرگونی سیاسی استفاده می شود، مورخان مفهومی اصل آن را مدرن می دانند. این اصطلاح در استفاده متداول که از تجربیات انقلابهای انگلستان، آمریکا و فرانسه مطلع شده است، مظهر تغییر سیاسی است، یعنی نه تنها در قوانین، سیاستها یا دولت بلکه در نظم تعیین شده که عمیق و با دوام است (Grosser, ۲۰۱۶: ۱۱).

#### ۲-۱-۲- عدالت<sup>۲</sup>

شکل گیری مفهوم عدالت بین دوره های سنتی و مدرن متفاوت است. در دوره های سنتی و مدرن، مفهوم عدالت مربوط به رشد انسان عادل است. بدین منظور، مفهوم عدالت بعد روانشناسی و متافیزیک را در نظر گرفت. بر اساس آن، مسئله عدالت بر یک فرد اخلاقی، خوب و با فضیلت متمرکز بود. ایده این بود که از آنجا که این افراد هستند که جامعه را تشکیل می دهند، فلسفه سیاسی باید بر مراقبت از بهترین شخصیت ها در افراد تمرکز کند (Wolfe & Jonathan ۲۰۱۸: ۳۳۲) هنگامی که افراد با فضیلت تکامل یافتند و به نهادهای اجتماعی انسان دعوت شدند، عادلانه عمل خواهند کرد. همانطور که گائوبا به درستی ملاحظه می کند، عدالت در دیدگاه

<sup>۱</sup> . Revolution

<sup>۲</sup> . Justice

های سستی بر آماده سازی افراد برای انجام وظایف وابسته به وضعیت خود که توسط قانون، آداب و سنن تعیین شده است متمرکز شده است. (Gaub, ۲۰۰۳, :۳۷۴)

مفهوم سستی عدالت نیز هدف آن ایجاد جامعه عادلانه بود، اما با تولید افراد عادی برای جمعیت جامعه. در دوران مدرن، مفهوم جامعه عادلانه از نظر تخصیص منابع تعیین می شود. به عبارت دیگر، مفهوم مدرن عدالت مربوط به این است که چه کسی، چگونه و چرا دریافت می کند. این بدان معناست که مفهوم مدرن عدالت توزیعی اولیه است (Edor, ۲۰۲۰: ۱).

## ۲-۲- روش شناسی اسکینر

اسکینر<sup>۱</sup> برای بررسی نظریه های و اندیشه ها اعتقاد به بررسی محیطی که اندیشه ها و نظریه های در آن شکل گرفته اند دارد. او به طور ماهرانه تجزیه و تحلیل تجربی و نظری را ترکیب می کند (Blau, ۲۰۲۰: ۱). اگر بپذیریم که از منظر اسکینر، نظریه ها به مثابه حرکت تلقی می شوند، آنگاه وظیفه نظریه سیاسی همانا «مشروعیت سازی» یا «مشروعیت زدایی» از وضع امور خواهد بود. برای دیدن نظریه ها و فلسفه ها بدین شیوه لازم است که آنها را در بسترهای سیاسی شان گذاشته شوند تا از این طریق بتوان نشان داد که حتی چنین کارهای انتزاعی دست «مداخله» در سیاست زمانه شان دارند» (Smit and Hulstijn, ۲۰۰۷: ۱۲۲).

کاری که اسکینر در اینجا مدنظر دارد همانا قابل فهم کردن اندیشه ها و نظریه های سیاسی مکتب تفکیک و حکیمی است آنهم از طریق نزدیک کردن آنها با واقعیت تاریخی شان. بر همین اساس، نقد وی به رویکرد متن گرا این است که اگر آنها درصدد نوشتن تاریخی برای نظریه های سیاسی هستند فقط خود را به نوشتن تاریخ نظریه سیاسی محدود می کنند، یعنی آنان قادر نیستند تاریخ های واقعی اندیشه ها و نظریه های سیاسی مکتب تفکیک و حکیمی را بنویسند. دلیل اش هم واضح است، چون آنها همواره نقش حاشیه ای به اصول و عقاید سیاسی در توضیح رفتار سیاسی می دهند. در نتیجه، وقتی که درصدد فهم و تفسیر مکتبی بر می آیند در آن هنگام از ایجاد هرگونه ارتباط بین حیات سیاسی و نظریه سیاسی مکتب تفکیک و حکیمی دچار مشکل می شوند.

اسکینر معتقد است که خواندن متنی نزدیک یک عبارت داده شده در برابر موارد مرتبط اظهارات معاصر تنها راه برای اطمینان از این است که نویسنده در حال انجام چه کاری است. به عنوان مثال، وقتی نویسنده ای معتقد است که "یک شاهزاده باید بیاموزد که نیکوکار باشد"، خواننده باید بداند که این توصیه چقدر متداول یا نادر است تا از آنچه نویسنده می خواهد منتقل کند مطلع شود (London, ۲۰۱۶: ۱۲).

<sup>۱</sup>. Skinner

### ۳- بررسی شرایط تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری مکتب تفکیک

مکتب تفکیک همان مکتب معارفی و شناختی شیعی و ایمان داشتن به غنای این مذهب و مکتب و مرزبانی و پاسداری تاریخی نظام معرفتی آن در ابعاد اعتقادی و فقهی و اخلاقی است. به ویژه حفظ خلوص معارف اعتقادی تشیع، به دور از در آمیختگی با مذاهب غیراسلامی و غیر شیعی و نحله‌های فلسفی و عرفانی قدیم و جدید. (Maleki Mianji, ۲۰۰۳: ۲۶۹). در ارتباط با نظریه تفکیکیان معتقدند علومی همچون فلسفه و عرفان، از آغاز با دسیسه دشمنان دین و حاکمان جور وارد فضای فرهنگی جامعه اسلامی شده است.

تفکیکیان سه راه و روش قرآن، عرفان و برهان و نتایج حاصل از آنها را جدا از هم و متفاوت با یکدیگر دانسته، معتقدند بر اثر غفلت برخی عالمان و دانشوران مسلمان، خالص‌فهمی قرآن و سنت با مشکل روبه‌رو شده و تاویل‌های ناصواب این دو منبع معرفتی دین، در میان عارفان و فیلسوفان مسلمان رواج یافته است.

از جمله مسائلی که اصحاب تفکیک بر آن تأکید بسیار دارند، ترجمه کتب فلسفی از زبان یونانی به زبان عربی و تأکید بر تأثیرهای منفی آن است. به نظر ایشان ترجمه این کتابها را باید نوعی تهاجم فرهنگی تلقی کرد، و ریشه‌های آن را هم در زمان معاویه باید جست. (Hakimi, ۱۹۹۶: ۳۲۶) از آنجا که وی در صدد بود تا دمشق را در مقابل مدینه و کوفه قرار دهد، و مسلمانان را از مراجعه به علی و اولاد علی علیه‌السلام در معارف دین باز دارد، لاهوت مسیحی و دانایان آنان را به خویش نزدیک کرد، و به ترویج معارف آنان در جامعه اسلامی پرداخت. سیاست وارد کردن معارف از خارج عالم اسلام ادامه یافت تا در زمان خلفای عباسی به اوج خود رسید.

از نظر مدافعان مکتب تفکیک، علومی مانند کلام و عرفان نسبتی با اسلام حقیقی ندارند و پدیده‌ای بیرونی و غیر اسلامی هستند. از این منظر علم کلام زاده سیاست امویان و عباسیان بوده است و آنان به قصد بستن در خانه اهل بیت -صلوات الله علیهم- به ترویج این علوم پرداخته‌اند. همچنین تصوف، پدیده‌ای وارداتی است و ربطی به اسلام ندارد (Qazvini Khorasani, and Rahimian Ferdowsi, ۲۰۰۳: ۳۷).

تفکیکیان از این که از برخورد اهل بیت با ترجمه آثار سایر ملل بویژه آثار فلسفی و عرفانی خبری در دست نیست، نتیجه گرفته‌اند که علوم بشری با راه اهل بیت در تضاد است و زبان وحی با زبان فلاسفه و عرفا متفاوت است. در حالی که چنین نتیجه‌ای از تاریخ، بی‌پایه و بدون مدرک است و علت فقدان آثار و نظرات اهل بیت در مورد فلاسفه و عرفا، محرومیت آنها از حضور فعال در اجتماع مسلمین بوده است (Modarresi, ۲۰۰۷: ۲۹-۵۳).

صد و اندی سال قبل از حضور میرزا مهدی اصفهانی در خراسان، شخصیت‌های مهمی از مکتب اخباری در مشهد سکونت داشتند. این پیشینه قطعاً در ظهور و بروز مکتب تفکیک تأثیرگذار بوده است و بزرگان تفکیک به مانند اخباریان از بستر آماده توسط پیشینیان بهره برده‌اند. به عنوان نمونه، ابن ابی‌جمهور احسایی چندین سال از عمرش را در مشهد زیسته است. (Bahrani, ۲۰۰۶: ۱۶۶). میرزا محمد اخباری (۱۱۷۸-۱۲۳۲ق) از پایه

گذاران مکتب اخباری مدتی را در مشهد سپری نمود (۱۴۷-۱۱۵: ۲۰۱۲، Ansari Qomi). از دیگر شهرهای ایران که محلّ ظهور و بروز مکتب تفکیک بوده است، قزوین است (Sadr Haj Seyed Javadi and others, ۱۹۹۶: ۱۶۲).

#### ۴- رویکرد مکتب تفکیک به سیاست در حوزه عملی و نظری در انقلاب مصر

رویکرد مکتب تفکیک به سیاست به دو حوزه عملی و نظری تقسیم می‌شود که قابلیت تطبیق آن با انقلاب مصر در ادامه توضیح در خصوص هر یک از این دو حوزه ارائه می‌شود:

#### ۴-۱- در حوزه نظری (عدم علاقه به انقلاب و مشارکت در سیاست)

مطابق نظر اسکینر برای رسیدن به معنای متن در صدد کشف قصد مؤلف باید بود روش اسکینر در ردیف روش‌های هرمنوتیکی مؤلف‌محور قرار دارد؛ روش‌هایی که معنای متن را همان قصد و نیت مؤلف می‌دانند و معتقدند که برای رسیدن به معنای متن باید مراد مؤلف آنرا درک کرد.

مطالعه آثار بزرگان مکتب تفکیک نشان می‌دهد که آن‌ها علاقه چندانی به سیاست از بُعد نظری نداشته و تالیفاتی در این باب از خود بر جای نگذاشته‌اند. تنها استثنا، محمدرضا حکیمی است، بیشتر آثار او دارای جنبه سیاسی و اجتماعی است. برجستگی اندیشه او توجه به قسط و عدالت اجتماعی است. «در فرایند مبارزات انقلابی، رفتار سیاسی تفکیکیان در عمل، بسیار متنوع بوده و از گوشه نشینی و حتی یافتن توجیه برای استمرار نابسامانی و ستم در دوران رژیم پیشین تا مشارکت در مبارزات سیاسی در خلال انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد» (Taqavi ۹۷: ۲۰۱۴, and others). در ارتباط با نظریه اسکینر باید گفت که از آنجایی که تمام نظریه پردازان سیاسی کارشان را از مشاهده بی‌نظمی در زندگی سیاسی آغاز می‌کنند. نارضایتی آنان از وضع موجود باعث می‌شود جامعه را دچار نوعی بحران ببینند. پس از این مشاهده است که در صدد فهم علل بحران بر می‌آیند و راه حل‌هایی ارائه می‌دهند.

در خصوص شروع انقلاب مصر باید گفت که یک جوان مصری به نام "عبده عبدالمنعم حماده جعفر خلیفه" در اعتراض به بسته شدن رستوران خود و عدم توجه مسئولان به مشکلاتش در مقابل ساختمان مجلس شعب (مردم) این کشور دست به خودسوزی زد. در پی این اقدام یک گروه از جوانان حامی دموکراسی به نام "جنبش ۶ آوریل" با فراخوانی از طریق دعوت اینترنتی و فیسبوک برای تجمع و اعتراض علیه حکومت مصر در روز ۲۵ ژانویه "روز ملی پلیس مصر" به این اعتراض جنبه ملی دادند (Barari, ۲۰۱۲: ۲۰۹).

به هنگام آغاز اعتراضات در ۲۵ ژانویه، اخوان در این تظاهرات شرکت نکرد و رهبران اخوان تا ۲۸ ژانویه ورود به خیابان‌ها را به دلیل تهدیدات دستگاه‌های امنیتی، در دستور کار قرار ندادند. از ۲۸ ژانویه اخوان‌المسلمین در کنار سایر نیروها وارد اعتراضات خیابانی شد، امری که در نهایت به سقوط مبارک در ۱۱ فوریه انجامید.

ملتزمین به تفکیک علوم و حیانی از یافته‌های بشری، اصالتاً داعیه‌ای برای ورود به سیاست نداشته‌اند و این ناشی از التزام عملی آنها به مکتب تفکیک است! موسی زرابادی قزوینی یکی از مؤسسين اولیه مکتب تفکیک در مورد

مشروطه و ابعاد نظری آن و کیفیت حکومت و حق حاکمیت رساله‌ای در زمان خود نگاشته است و به این ترتیب در زمانی که بسیاری از علما وارد سیاست نمی‌شدند، وی مباحث نظری خود را در باب سیاست به صراحت مطرح می‌کنند.

در خصوص عدم ورود به سیاست و انقلاب در خصوص انقلاب مصر باید گفت که اخوان المسلمین به عنوان جنبشی اسلامی در آشفتگی اوضاع عمومی مسلمانان - به ویژه اوضاع مصر - و ناتوانی حکمرانان کشورهای اسلامی و جهان عرب در ارائه راه حلی برای خروج از بحران و عقب ماندگی مسلمانان به وجود آمد و در پی معرفی اسلام به عنوان راه حل خروج از وضعیت بحرانی موجود بود. اما خیلی دیر و به طور بسیار محتاطانه در اعتراضات مردمی برای سرنگونی رژیم مبارک وارد شدند. زیرا ترس از واکنش شدید رژیم در صورت شکست شورش مانع از شرکت در اعتراضات از سوی آنان می‌شد. بنابراین تا زمانی که از پیروزی حرکت مردمی مصر مطمئن نشده بودند به طور کامل به اعتراضات مردمی علیه رژیم ملحق نشدند. «خلاصه کردن تحولات مصر در تحركات اخوان نادرست است؛ زیرا اخوان خود از شدت و گستره‌ی تظاهرات در وهله نخست غافلگیر شد و پس از انتخاب معاون رئیس جمهور، همگام با سایر نیروها با وی وارد مذاکره شد. اما فشار جوانان حاضر در خیابان ها و میدین قاهره و سایر شهرها و انتقادات چهره هایی چون البرادعی و قرضاوی و در نهایت تداوم تظاهرات به رغم مذاکره، آن ها را به عدم تداوم مذاکرات کشاند» (Becky, 2011: 167).

#### ۴-۲- در حوزه عملی (در فرایند مبارزات انقلابی)

می‌توان سه دوره را برای مکتب تفکیک فرض کرد: دوره نخست دوره میرزای اصفهانی و شاگردانش مرحوم حلبی است. دوره دوم مکتب تفکیک توسط شاگردان دیگر میرزای اصفهانی یعنی مرحوم آقامجتبی قزوینی و میرزاچاد آقای تهرانی شکل گرفت و توسط حکیمی معرفی گردید. دوره سوم با تبیینهای استاد سیدان تحقیق یافت. (Khosropanah, 2012: 2).

از نظر اسکینر فهم جملات و عبارات یک متن بدون دستیابی به نیت و انگیزه‌های نویسنده و جدای از زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی شکل‌گیری آن و نیز جدای از زمینه‌ی فکری حاکم بر دوره‌ی نگارش آن هرگز فهمی صحیح و کامل نخواهد بود. بر طبق این رویکرد اسکینر می‌توان به گروهی از مکتب تفکیک اشاره نمود که از نظر فکری تحت تأثیر فعالیت‌های تبلیغی شیخ محمود حلبی و انجمن حجثیه بودند، پیش از انقلاب از فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم شاه و قرار گرفتن در کنار نهضت امام خمینی سر باز می‌زدند.

در خصوص انقلاب مصر و نقش اخوان المسلمین در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ باید گفت تحولات اخیر را اخوانی ها به راه نیاندختند و در مراحل ابتدایی نقش پر رنگی در اعتراضات نداشتند اما به دلیل ساختار تشکیلاتی قدرتمند، نزدیکی با مردم کوچه و بازار و پایداری بر اصول و باورهای مذهبی و بسیاری از عوامل دیگر توانستند به سرعت بر موج اعتراضات مردمی سوار شده، از سایر جریانات موجود سبقت گرفته و نقش چشمگیری را در گسترش یافتن اعتراضات ایفا نمایند. بنابراین یکی از نیروهای مؤثر در پیروزی نهایی بودند، نه نیروی اصلی و عمده و یا نیروی آغازگر انقلاب (ghamezade, 2012, 186).



اما بیشتر عالمان تفکیکی در طول مبارزات نهضت اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین در دوران استقرار جمهوری اسلامی و تثبیت آن، همراهی‌ها و همسویی‌های آشکار و پنهان بسیاری از خود نشان داده‌اند. برای نمونه شیخ مجتبی قزوینی تا هنگامی که زنده بود، به حمایت از امام و به‌ویژه مرجعیت ایشان پرداخت. دیگر افراد این مکتب همچون آیت‌الله میرزا جوادآقا تهرانی، آیت‌الله میرزا مهدی نوغانی و آیت‌الله حسنعلی مروارید نیز در فعالیت‌های مبارزاتی مردم مشارکت داشته‌اند. محمد رضا حکیمی نیز که در حال حاضر به عنوان مروج و شاخص مکتب تفکیک مطرح هستند، از سال ۱۳۳۸ تحت نظر ساواک قرار می‌گیرند که این پیگرد منجر به تعطیلی جلسات "الغدیر" او که در آن بحث از حکومت عادل در نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌کرده‌اند، می‌شود.

حکیمی آیاتی از قرآن را یادآور می‌شود که به گونه‌های مختلف انقلاب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشاره دارند و به نظر او، انقلاب کامل آن است که در آن سه طاغوت سیاسی (فرعون)، فرهنگی (هامان) و اقتصادی (قارون) سقوط کنند: «قرآن کریم، الگوی یک انقلاب کامل را مطرح ساخته است. چون جامعه‌ها هنگامی دست به انقلاب می‌زنند که زیر بار سنگین ستم خرد شده باشند. و برای تعمیق ستم و فراگیر ساختن آن (استبداد و استثمار)، باید سه طاغوت پدید آیند و متحد گردند. و انقلاب واقعی آن است که این سه طاغوت را از میان بردارد» (Hakimi, ۲۰۰۳: ۳۲۴-۳۲۵).

حکیمی می‌گوید که جوامع بشری به دو چیز نیاز دارند: الف) تربیت، یعنی ساختن فرد صالح و ب) سیاست، یعنی ساختن جامعه صالح؛ و این دو در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند. او با تاکید بر ضرورت ایجاد حکومت صالح، برای آن صد شاخصه در عرصه‌های فردی و اجتماعی را برمی‌شمارد و از آن جمله، اعمال زور و سرکوب را مغایر با چنین حکومتی می‌خواند. او در مقدمه این کتاب حکومت‌های دینی را متضمن یک فایده مهم، یعنی تعلیم و ترویج دین، و یک خطر بزرگ، یعنی امکان عدم تحقق انتظار سترگ حاکمیت والای انسانی و مدیریت کاملاً سالم، می‌داند (Hakimi, ۲۰۱۲).

مرحوم آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی در زمان حیات خود با دفاع از امام و انقلاب، سبب به راه افتادن و پیوستن شهر قزوین به انقلاب می‌شود و جایی که به او در مورد حمایت از امام و نصب عکس ایشان در خانه‌اش اعتراض می‌شود، می‌گوید "یعنی می‌گویید دینداری در شأن ما نیست" همچنین وی به علت دفاع از امام پس از فوت با ممانعت ساواک برای دفن در داخل حرم مطهر رضوی سلام‌الله‌علیه روبرو و برخلاف دیگر علمای مشهد در صحن مطهر به خاک سپرده می‌شوند. همچنین نباید ناگفته بماند که شیخ مجتبی قزوینی (رض) در قضیه گوهرشاد و نیز به دلیل دخالت در بحث مبارزه با کشف حجاب به مدت هفت سال به قلندرآباد فریمان تبعید شدند.

میرزا جواد آقای تهرانی که از شاگردان میرزامهدی اصفهانی (مؤسس مکتب تفکیک) بودند، با ورود به جریان انقلاب و دفاع از امام و انقلاب حتی پس از جنگ به مدت طولانی با وجود کهولت سن در جبهه‌ها نیز حاضر می‌شوند که این خود مؤید نظری و عملی انقلاب اسلامی است.

در جریان تطبیق نظریه مکتب تفکیک با جنبش مصر ذکر این نکته ضروری است که عدم اجرای اسلام و آموزه‌های اسلامی توسط حکام مستبد مصر و رواج اندیشه‌ها و فرهنگ غربی در جامعه اسلامی مصر یکی از مهمترین

دلایل شکل‌گیری بیداری اسلامی در مصر بوده‌است که سایر علت‌ها نیز مستقیم یا غیر مستقیم از آن منبعث شده و تحت تأثیر آن قرار دارند.

تبیین دقیق مکتب تفکیک و تطبیق آن با جریان انقلاب در مصر نشان می‌دهد که عملکرد استعمار و تأثیر فرهنگ، آموزه‌ها و سیاست‌های آن بر حاکمان ستمگر سرزمین‌های اسلامی در راستای غیر مذهبی کردن جوامع مسلمان در کنار غربی نمودن این جوامع، مهمترین نقش را در عقب ماندگی و انحطاط سرزمین‌های اسلامی بویژه مصر داشته است که در واکنش به این مسئله مسلمانان بیدار شده و راه چاره را در بازگشت به اسلام و اجرای اصول و احکام آن در جامعه دانستند، یعنی همان چیری که مکتب تفکیک شامل وارد کردن معارف غیر دینی و ورود فلسفه غیر اسلامی به جهان اسلام می‌دانستند.

در مصر مردم شاهد نابودی ارزش‌های ایدئولوژیک، فرهنگی و هویتی جوامع خود هستند که در مسیر بهره‌مندی از مزایای احتمالی مادی غرب، تحت تأثیر فرهنگ لیبرالی آن قرار گرفته است. از نظر آن‌ها سنن و فرهنگ بومی و محلی تخریب گردیده و نوعی همسان‌سازی فرهنگی ترویج می‌گردد. به نحوی که در این شرایط هویت افراد و گروه‌های فراملی دگرگون شده است به گونه‌ای که این تغییرات آنچنان وسیع و گسترده است که وجوه بسیاری زندگی خصوصی افراد نیز دچار تحول می‌گردد. از سوی دیگر این فرایند در کشورهای اسلامی کلیه شئون فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی یک جامعه اسلامی را دیانت‌زدایی می‌کند و از طریق شبکه‌های ارتباطی خود سکولاریزاسیون را تبلیغ می‌کند. عوارض و علائم سکولاریزاسیون در جوامع اسلامی و غیراسلامی، این است که ادبیات مردم عوض شود، مفاهیم دینی و قدسی کمتر استعمال شود و به جای آن‌ها واژه‌ها و مفاهیم غیر دینی و غیر بومی را به کار برند و به جای «جامعه دینی» از «جامعه مدنی»، به جای «عدالت» از «دموکراسی» و مشارکت غربی دم می‌زنند، به جای اخلاق و اجرای احکام الهی، از تساهل و تسامح استفاده می‌شود (Gohari Moghadam, ۲۰۱۲: ۲۲۵).

بنابراین مدت زمان زیادی است که حکام کشورهای مسلمان از جمله مصر سکولاریسم را در برابر دوری از اسلام برگزیده‌اند و در این راستا همان‌طور که در سطور بالا هم اشاره شده بود قدرت‌های بزرگ سعی نمودند فرهنگ و آداب و عادات خود را رواج داده و آموزه‌های اسلام و فرهنگ مسلمانان را از جامعه حذف نمایند. در حالی که اسلام با افکار و عقاید مردم پیوند عمیق، تاریخی و همه‌جانبه دارد.

با انتقال قدرت از عباسیان به عثمانیان، سیر انحطاطی تمدن اسلامی آغاز شد. از دیگر سو، در پایان قرون وسطا در سال ۴۵۳ م، اندک اندک شکوفایی و پیشرفت غرب آغاز شد. اروپاییان با سفرهای دریایی و مهاجرت به سرزمین‌های دور و نیز با دستیابی به بازارهای جهانی، از انزوای بیرون آمده، به یک امپراطوری اروپایی تبدیل شدند. با قدرت یافتن اروپا و گسترش مرزهایش، مرزهای جهان اسلام هدف حمله قرار گرفت و بخش‌های مهمی از قلمرو اسلام در آفریقا و آسیا نیز تحت استعمار مستقیم غرب قرار گرفت و در بعضی مناطق از طریق حکومت‌های دست‌نشانده اعمال نفوذ می‌کردند (Nourani, ۲۰۱۲: ۱۹۹).

باتوجه به مطالب ذکر شده در سطور قبل باید گفت یکی از مناطقی که غرب به ایجاد حکومت دست‌نشانده‌ی خود در آن اقدام نمود؛ کشور مصر بوده است. این کشور سالهای متمادی تحت استعمار انگلیس قرار داشت تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۲۲م. بعد از یک قرن استعمار به استقلال رسید. اما بعد از استقلال نیز مشکلات عدیده‌ای در این کشور همچنان خودنمایی می‌کرد که موجب تشکیل جنبش اخوان المسلمین مصر شد. از جمله این مشکلات؛ فاصله طبقاتی میان مردم مصر با مقامات انگلیسی و فرانسوی، گسترش و رواج اندیشه‌های غربی در مقابل تعالیم اسلامی و استقرار حکومت‌های دیکتاتوری که مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از سیاست‌های غرب و آمریکا بودند، می‌باشد. در این میان گرایش در مردم مصر به سوی اخوان المسلمین ایجاد شد؛ اخوان المسلمین که جنبشی اسلامی بود در طول سالهای متوالی در مصر به مبارزه با حاکمان مستبد مصر پرداخت تا زمینه تشکیل دولت اسلامی در مصر فراهم شود. اما حاکمان ستمگر مصر که همواره تحت نفوذ غرب و آمریکا قرار داشتند به مخالفت با این جنبش و سرکوب آن پرداختند. به ویژه حسنی مبارک آخرین دیکتاتور وابسته به غرب در مصر به سرکوب مخالفین خود، به ویژه بازداشت و نابودی رهبران قدیمی اقدام کرد و حزب دموکراتیک ملی را به عنوان حزب حاکم راه اندازی کرد. وی علاوه بر ایجاد حکومت تک حزبی در مصر، به عنوان یکی از عوامل دست نشانده‌ی آمریکا و غرب نیز شناخته می‌شد که با حمایت سیاسی، نظامی و مالی آمریکا و غرب، مردم را از هرگونه مشارکت در سرنوشت خودشان محروم کرده و موجب ایجاد نوعی سرخوردگی و تحقیر در ملت عرب شده بود زیرا ملت عرب احساس می‌کردند قربانی سیاست‌های نادرست رهبران سیاسی کشور خود شده‌اند، رهبرانی که حاکمیت آنها نیز متکی به قدرت‌های بزرگ بوده است و از استقلال سیاسی در اداره جامعه و کشور خود برخوردار نبوده‌اند.

در این راستا دکتر حسین بشیریه مفهوم حاکمیت (Sovereignty) را در ادبیات علوم سیاسی دارای دو وجه درون ملی و برون ملی می‌داند. از منظر درون ملی، حاکمیت به معنای دارا بودن اقتدار عالی و برخوردارگی از انحصار اعمال قدرت و وضع و اجرای قوانین و از منظر برون ملی، به معنای استقلال سیاسی و آزاد بودن از قید هرگونه کنترل و مداخله‌ی خارجی می‌باشد (Bashirieh, ۲۰۰۳: ۲۸-۲۹). بر مبنای این تعریف باید گفت که کشور مصر از وجه خارجی حاکمیت ملی خود محروم و تحت نفوذ ابر قدرت‌ها می‌باشد.

حسنی مبارک در طول ۳۰ سال حکومت، غرور و حیثیت ملی مصری‌ها را خدشه دار کرده بود. آرمان‌های ملت مصر که زمانی در جهت آرمان‌های ملل عرب بود بعد از صلح کمپ دیوید به نوعی هم-پیمانی میان مصر و اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، به خصوص در دوره حسنی مبارک تبدیل شد. مبارک حاضر بود اتحاد و آمال اعراب و سرنوشت فلسطینیان را در برابر کمک ۱/۵ میلیارد دلاری که سالانه از آمریکا دریافت می‌نمود، فدا کند. در شرایطی که اسرائیلی‌ها در دهه‌ی ۱۹۸۰م. و در سال ۲۰۰۶م. لبنان را در هم کوبیدند، همچنین در قتل عام مردم نوار غزه در زمستان ۲۰۰۸-۲۰۰۹م. توسط اسرائیل، حسنی مبارک بسیار منفعل بود. به طوری که اسرائیلی‌ها حسنی مبارک را «گنج استراتژیک اسرائیل» می‌خواندند و تمامی این مسائل عزت ملی اعراب و مردم مصر را خدشه دار نمود و نوعی تحقیر ملی را برای مردم این منطقه به همراه داشت.

سیاست خلفای عباسی در خصوص معارف خارج از اسلام بوده است. اصحاب تفکیک پیدایش فرق کلامی را محصول علم کلام اموی و عباسی و فلسفه می‌دانند. مهم‌ترین اهداف خلفا از وارد کردن معارف از خارج عالم اسلام عبارت بود از: ایجاد اختلاف و تفرقه در میان امت اسلام برای تسلط هر چه بیشتر بر آنان و در واقع اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» (Hakimi, ۱۹۹۶: ۳۲۵-۳۲۶). دین‌ستیزان نفوذی بیگانه از راه نفوذ دادن فرهنگهای بیگانه در میان مسلمانان به منظور نفی «وحدت قرآنی امت» (Hakimi, ۱۹۹۹: ۲۱۲).

خلفای اموی و عباسی تا آنجا که می‌توانستند مردم را از مراجعه به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام باز می‌داشتند، در حالی که اگر هدف آنان از ترجمه کتب، افزودن بر اطلاعات امت اسلام و تقویت مبانی فرهنگی و کمک به تحقق اهداف قرآنی بود، می‌باید اهل بیت علیهم‌السلام را در ارائه معارف قرآنی و علوم وحیانی آزاد می‌گذاشتند؛ چه، این مصادیق آشکار «اهل الذکر» بیشتر و بهتر از هر کسی می‌توانستند به این مهم پردازند؛ حال آنکه خلفای جور از هیچ ظلم و ستمی در حق آنان دریغ نوزیدند، و تا آنجا که توانستند از رواج افکار و عقاید ایشان در میان امت اسلام جلوگیری کردند. خلفا نه در اصل ترجمه کتابها، و نه در انتخاب آنها، با اهل بیت علیهم‌السلام هیچ مشورتی نکردند. اگر آنها نیت خیری داشتند، قطعاً در این زمینه از دانش این معادن علم و حکمت بهره می‌گرفتند. (Hakimi, ۱۹۹۹: ۲۱۶-۲۱۵).

در مصر غربی شدن سیاست، اقتصاد و فرهنگ موجب شکل‌گیری ارزش‌هایی شد که با ارزش‌های رایج در این کشور تعارض داشت. در نتیجه مردم احساس کردند مورد تهاجم همه جانبه غرب قرار گرفته و در مقابل حکومت که باعث بروز این تهاجم و از بین رفتن ارزش‌های بومی و فرهنگ‌های سنتی شده بود واکنش نشان دادند. «اصلاح طلبان و روشنفکران عرب، بویژه در مصر اندکی پیش از جنگ جهانی اول و پاره پاره شدن عثمانی، قبول مفاهیم و نهادهای جدید را تشویق کردند. ناسیونالیسم، دموکراسی پارلمانی، احزاب و روزنامه‌ها پس از جنگ جهانی اول به تدریج جای وفاداریها و نهادهای سنتی را گرفتند» (Bazrafkan, Javadani, ۲۰۱۲: ۳۰۰).

در جهان عرب، دولت‌های ملی نتوانستند میان ارزش‌های سنتی و مدرن پیوند برقرار کنند در نتیجه قطب بندی کردن آموزش بر محور نهادهای آموزشی سنتی و نهادهای آموزشی نوین شکل گرفت که منجر به ظهور نخبگان جدیدی که با مردم بومی بیگانه بودند، شد. این نخبگان جدید موجبات هدایت کشور به سمت مدل‌های غربی شدند و هنجارها و ارزش‌های غیر بومی را وارد جامعه کردند.

از دیگر ویژگی‌های مهم حکومت مصر که موجب نارضایتی مردم شد، عدم گرایش نخبگان بود حسنی مبارک در سالهای پایانی تلاش داشت تا فرزند خود جمال مبارک را برای ریاست جمهوری سال ۲۰۱۱ مطرح و حکومت را موروثی نماید، همچنین سایر مناصب بالای دولتی در دوران زمامداری وی در اختیار اعضای خانواده اش و سایر کسانی که جزء وابستگان و افراد حلقه به گوش خانواده حاکم محسوب می‌شدند؛ قرار داشت و سایر نخبگان در حکومت جایگاهی نداشتند. که این موجب نارضایتی طبقه متوسط و تحصیل‌کرده که خواهان رشد و دستیابی به پایه‌های قدرت هستند، می‌شد. این طبقه متوسط و تحصیل‌کرده که در نتیجه رشد و گسترش شهرنشینی

شکل گرفتند؛ از نظر فرهنگی در سطح بالایی قرار دارند اما به دلیل حجم زیاد فارغ التحصیلان دانشگاهی و نیافتن شغل متناسب با تحصیلاتشان، از نظر اقتصادی در سطح پایینی قرار می‌گیرند که این موجب احساس محرومیت و ایجاد خشم آنان نسبت به حکومت و نخبگان سیاسی موجود می‌شود. سرانجام باید گفت که یکی از مهم‌ترین اثراتی که استعمار بر جهان اسلام بر جای گذاشت؛ غیر مذهبی کردن (سکولاریزاسیون) کردن جوامع اسلامی است.

امیر نورانی در مقاله‌ای با عنوان مصر، بیداری اسلامی و الگوی ایران این موضوع را اینگونه به بحث گذاشته است: «در حالی که نوگرایان به تقلید کامل از تئوری و عمل غرب تمایل دارند، بیشتر سنت‌گرایان از کاربرد گزینشی بعضی جنبه‌های گزینشی غرب که با اسلام سازگاری دارد، مثل علم و تکنولوژی، حمایت می‌کنند. غربی شدن سطحی و ظاهری نخبگان سیاسی و اقتصادی، و نیز مصرف‌گرایی بی‌حدومرز و رفتار غیر بومی، آنها را از پیروان فقیر سنتی شان جدا می‌سازد (Nourani, 2012: 201). در این راستا اسلام‌گرایان معتقدند که جامعه مصر، جامعه‌ای مذهبی است و نخبگان سیاسی بدون توجه به پیامدهای سیاسی و فرهنگی، برنامه‌های اقتصادی خود را برنامه‌ریزی و اجرا کرده‌اند. آنها هنگام تعارض بعد منافع اقتصادی و خدشه دار شدن بعد فرهنگی و مذهبی، اولویت و ترجیح را به اقتصاد می‌دهند که صنعت توریسم نمونه‌ای از آن است. صنعت توریسم که متعاقب سیاست اقتصادی درهای باز که توسط سادات ایجاد و در دوران مبارک ادامه یافته بود، شکل گرفت، موجب شد که دولت برای جذب توریست و کمک به اقتصاد محلی، برنامه‌هایی مانند رشد سریع باشگاه‌های شبانه، روسپیگری، قماربازی، مصرف مشروبات الکلی را به اجرا در آورد. که با اسلام و ارزش‌ها و فرهنگ‌های سنتی مردم مصر مغایرت داشت (Barzegar, 2007: 209-210).

اعضای اخوان المسلمین در ۲ فوریه، نقش اصلی را در جنگ بر علیه مبارک در میدان التحریر ایفا کردند و اکثریت مردم آسیب دیده و جروح را از میدان آشوب دور کردند. به ویژه در هفته سوم فعالیت جنبش انقلابی مصر، جوانان اخوان فعالیت زیادی کردند و آخرین تلاش رژیم مبارک در دهم فوریه برای برقراری حکومت نظامی و تخلیه میدان التحریر، با فداکاری و مقاومت جوانان اخوان المسلمین ناکام ماند (Poursaid, 2011: 186).

۴-۳- بررسی قسط و عدالت در اندیشه محمد رضا حکیمی و تطبیق آن با شرایط شکل‌گیری انقلاب مصر  
محمد رضا حکیمی معتقد است که هر حرکت و اقدام اصلاحی (تا چه رسد به انقلاب و اقدام‌های انقلابی)، در گام نخستین باید مانع بزرگ رشد و کمال انسان (یعنی فقر، محرومیت، کمبود و نیازمندی) را از سر راه انسان‌ها بردارد، بعد به کارهای دیگر بپردازد؛ زیرا هیچ کاری و اقدامی مقدم بر این اقدام نیست. و بدون اجرای عدالت و اقامه قسط در میان جامعه، هر حرکتی و اقدامی و اصلاحاتی و انقلابی فاقد ارزش است. بر این اساس طبق نظر اسکینر که میان «قصد برای انجام یک کار» و «قصد در حال انجام آن» تمایز قایل می‌شود و معتقد است برای فهم معنای یک متن دستیابی به قصد مؤلف برای انجام آن کافی نیست، بلکه باید قصد مؤلف را در حال نوشتن آن متن نیز بیابیم. بنابراین، از نظر وی ما در فرایند فهم معنای متن به دنبال کشف انگیزه‌های آگاهانه‌ای که از ذهن عامل گذشته نیستیم، بلکه با قرار دادن متن در زمینه‌ی گسترده‌تر به دنبال قصدیت موجود در خود عمل و

رمزگشایی از این هستیم که عامل با رفتار کردن به شیوه‌ای خاص چه کرده است و در صدد بیان چه چیزی بوده است. (Haghighat, ۱۹۹۹:۳۵۶).

حکیمی به وجه اقتصادی عدالت توجهی ویژه دارد<sup>۱</sup> و در مقاله ای تحت عنوان «تعریف عینی و عملی عدالت» که به سال ۱۳۹۰ انتشاریافت، عقیده دارد یکی از مهم ترین اقسام عدالت، عدالت معیشتی و حیاتی (و به تعبیری، عدالت اقتصادی) است (Hakimi, ۲۰۱۱).

حسنی مبارک و رژیم تحت امر او در دوران زمامداری خود به فساد اقتصادی، اختلاس از بودجه دولتی، رشوه خواری و به ویژه بی عدالتی در دستگاه قضایی شناخته می شدند (Zakerian and Emadi, ۲۰۱۸:۱۷۶-۱۸۰). حکیمی معتقد است که اگر در هر جامعه عدالت اجرا شود، مردم از نظر فرهنگی رشد می کنند. و جامعه‌ای که دارای رشد باشد، مطالبات دارد؛ یعنی، به هر چگونگی از نظر مدیریت و قضاوت و اقتصاد رضایت نمی دهد.

اگر ثروتمندان جامعه حقوق واجب مالی خود همانند خمس، زکات و ... را ادا کنند، اما فقیران جامعه تأمین نشوند، حکم وجوب تأمین نیازمندان جامعه به صورت یک واجب کفایی از عهده ثروتمندان ساقط نمی شود، و باید از اموال خود افزون بر حقوق واجب مالی آن، مقداری به فقیران بدهند تا آن‌ها نیز بی نیاز شوند (Hakimi, ۱۹۹۸:۳۹۲).

یکی از دلایل وقوع جنبش اسلامی در مصر نابودی رهبری سازمان یافته سنتی و تحمیل رهبری سیاسی از خارج، که از اعتماد مردم برخوردار نبود، می باشد؛ مبارک و خانواده او به عنوان عمال دست نشانده - ی آمریکا بین ۴۰ تا ۷۰ میلیون دلار دارایی داشته و ۳۹ مسئول بلند پایه یا تجار نزدیک به جمال مبارک هر کدام بیش از یک میلیارد دلار ثروت اندوختند (Niaquai, ۲۰۱۱:۲۵۲). در حالی که به لحاظ اقتصادی حدود ۴۰ درصد مصریان کمتر از ۲ دلار در روز در آمد دارند و زیر خط فقر هستند.

حکیمی با غایتی مساوات نگر به مقوله ی عدالت توجه دارد و از این رو به ارائه ی ۲۲ اصل در تایید و تاکید اصل مساوات به عنوان غایت نهایی می پردازد، به گونه ای که حتی هدف نهایی اصل عدالت نیز مساوات است. (Hakimi, ۱۹۹۸). در اندیشه ی حکیمی، عدل یعنی توازن و تساوی یعنی هدفی فراتر از عدالت؛ در واقع اصل مساوات مرحله ی کمال در اقتصاد اسلامی است، نه این که مساوات یکی از زیر مجموعه ها و اقسام عدالت باشد.

حکیمی برای عدالت اقتصادی دو معیار معرفی می نماید: رفع تکاثر و رفع فقر؛ تکاثر به عنوان علت و فقر به عنوان معلول. این سرمایه داران هستند که بندگان خدا را استثمار می کنند و محرومان باید با آن‌ها بجنگند و حق خویش را که به نص روایات در اموال سرمایه داران است باز ستانند (Hakimi, ۲۰۰۲:۲۲).

احسان افزون بر عدالت است، به این صورت که فرد نیکی کند اما انتظار پاداش و نیکی نداشته باشد و این خود عاملی است در حرکت به سوی نزدیک سطحی زندگی ها و تساوی<sup>۱۶</sup>. هدف نهایی از آفرینش که تکامل افراد و

<sup>۱</sup> - وی در خصوص اجرای عدالت و برقراری توازن اقتصادی این آیه را یادآور می شود: «إن الله يأمر بالعدل والإحسان و إيتاء ذی القربی، و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی، یعظکم لعلکم تذکرون» (سوره نحل، آیه ۹۰) (خداوند به دادگری و نیکوکاری و بخشیدن مال به خویشاوندان امر، و از کارهای پلید و زشت و ستمگری نهی می کند، و به شما پند می دهد تا مگر پند گیرید).

جامعه است، جز در پرتو همیاری ایجاد نمی‌شود؛ از این رو تفاوت در استعدادها، جوازی برای لزوم فرق‌های معیشتی بزرگ نیست (Hakimi, 2001: 234).

شرایط بد اقتصادی و نارضایتی‌هایی که از وضع اقتصادی دوران مبارک ایجاد شده بود یکی از دلایل سقوط مبارک محسوب می‌شد، این مسئله موجب می‌شد که هر گروه حاکمه‌ای که در مصر بر سر کار بیاید یکی از نگرانی‌ها و مسائل عمده‌ای که باید بر روی آن تمرکز کند، مسئله اقتصاد باشد زیرا در غیراینصورت ممکن بود که با واکنش شدید مردم مواجه شود. بنابراین اخوان المسلمین و مرسی ناگزیر بودند به جای درگیر شدن برای تضعیف دیگر نهادهای قدرت که رقیب آن به شمار می‌آمدند، حل مشکلات مردم را در اولویت خود قرار دهند (Karamim, 2013). حدود ۴۰ درصد مصریان کمتر از ۲ دلار در روز در آمد دارند و زیر خط فقر هستند. بنابراین حکیمی اعتقاد دارد که حرکت اسلام، در جهت ساختن انسان و جامعه، به منزله سکه‌ای است دورو، که بدون هر یک از آن دیگری تحقق نمی‌یابد، یعنی تا افراد ساخته نشوند جامعه ساخته نمی‌شود، و تا جامعه ساخته نشود افراد ساخته نمی‌شوند. بنابراین، در جامعه‌ای که قرآن می‌خواهد بسازد، شما مسئولیت یکجانبه پیدا نمی‌کنید، یعنی نمی‌شود فرد فقط مسئولیت‌های فردی داشته باشد نه مسئولیت اجتماعی، یا جامعه فقط مسئولیت اجتماعی داشته باشد نه مسئولیت فردی و بدینگونه است که بنای باشکوه «انسانیت عملی» ساخته می‌شود و انسانها از عدالت محروم می‌گردند و نه از کرامت و البته آزادی معقول هم - چنانکه یاد شد - در درون عدالت جای دارد و لازمه عدالت است، لیکن عدالت لازمه آزادی نیست و به همین دلیل است که در جامعه قرآنی، قدرت هدف نیست، بلکه وسیله است و بقدر ضرورت از آن استفاده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در بررسی شرایط سیاسی اجتماعی هر اندیشمند و یا هر مکتب باید گفت که جداسازی فلسفه و عرفان از آموزه‌های وحیانی تنها سخن تفکیکیان نیست. متفکران اسلامی در طول تاریخ به تبعیت از اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، همیشه بر خلوص معرفت دینی و دین‌شناسی و پرهیز از تأویل تأکید داشته‌اند. طرفداران مکتب تفکیک در دورانی که غرب‌گرایان و شرق‌گرایان تلاش می‌کردند تا اسلام مارکسیستی، اگزیستانسیالیستی، پوزیتیویستی، اومانیستی، سکولاریستی را به جوانان منتقل کنند، احساس تکلیف کرده و به دفاع از معرفت خالصانه می‌پرداختند و علامه طباطبایی و استاد مطهری را در این هدف مهم همراهی می‌کردند. در این مقاله تلاش شد تا با بهره‌گیری از مکتب تفکیک و با استفاده از روش‌شناسی اسکینز، و لحاظ کردن عواملی چون غیر مذهبی کردن (سکولاریزاسیون) کردن جامعه، سلطه الگوهای غربی و وابسته شدن مصر از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به غرب، روی کار آمدن عمال دست‌نشانده‌ی غرب و وجود مشکلات اقتصادی در کنار فضای سیاسی بسته و فاقد روندهای دموکراتیک، چرایی وقوع اعتراضات اخیر مصر و فروپاشی حسنی مبارک تبیین شود. مقاله‌ی حاضر به این نتیجه رسیده است که در شکل‌گیری انقلاب مصر، این نگاه مکتب تفکیک که بر تغییرات بنیادین سیاست و کارکردهای سیاسی به ویژه با تأکید بر مقوله قسط و عدالت در نزد حکیمی تأثیرگذار

بوده است. در فرایند مبارزات انقلابی و در شکل گیری انقلاب مصر، رفتار سیاسی جنبش ها، مردم، دولت در عمل، از گوشه نشینی تا مشارکت در مبارزات سیاسی و در حوزه نظری شامل عدم علاقه به انقلاب و مشارکت در سیاست بوده است.

براساس رویکرد حکیمی به عدالت اقتصادی، ظهور انقلاب مصر نیز نتیجه سرکوب طولانی مدت مردم و جریانات سیاسی، ستم و استبداد حاکمان، دولت های وابسته و دست نشانده، تسلط فرهنگ غربی در جامعه و نابسامانی های اقتصادی و شکاف فقیر و غنی بوده است. در این میان اسلام به عنوان عامل رهایی بخش و جایگزین مطلوب و مناسب برای حکومت فاسد حسنی مبارک مطرح و توسط مردم به متن تحرکات و خواسته های آنان منتقل گردید و نقش مهمی را در پیروزی مردم و شکست حسنی مبارک ایفا کرد. عقاید تفکیکیان عبارت است از: رد و حتی ضدیت با فلسفه و عرفان، ظاهرگرایی جدی بر متون روایی، مخالفت با رویکردهای تفسیری قرآن محور (مانند رویکرد علامه طباطبایی) و موارد بسیار دیگر. می توان انقلابی بود و به آموزه های تفکیکی قائل بود. اما در خصوص نقش اخوان المسلمین در انقلاب مصر براساس دیدگاه مکتب تفکیک به انقلاب باید گفت انقلاب اخیر مصر را اگر چه اخوانی ها به راه نیانداختند و در مراحل ابتدایی نقش پر رنگی در اعتراضات نداشتند اما به دلیل ساختار تشکیلاتی قدرتمند، نزدیکی با مردم کوچه و بازار و پایداری بر اصول و باورهای مذهبی و بسیاری از عوامل دیگر توانستند به سرعت بر موج اعتراضات مردمی سوار شده، از سایر جریانات موجود سبقت گرفته و نقش چشمگیری را در گسترش یافتن اعتراضات ایفا نمایند. علاوه بر این قدرت را نیز بعد از سقوط حسنی مبارک به دست بگیرند. اخوان المسلمین و نماینده ی آن مرسی (به عنوان رئیس جمهور مصر) در یک سال زمامداری مصر اشتباهات عمده ای را مرتکب شدند که موجب شد رقیب اصلی آنان (ارتش) همراه با مردم به سرنگونی آنان اقدام نموده و حتی یکی از فرماندهان عالی رتبه نظامی (عبدالفتاح السیسی) قدرت را نیز بعد از مرسی در دست بگیرد.

منابع

- Abolhassan Shirazi, Habibullah; Mina Rasooli (۲۰۱۱). "Autopsy of the Egyptian movement." *Encyclopedia Quarterly*, No. ۸۰, pp. ۸۱-۹۳.
- Ansari Qomi, Mohammad Reza (Mohaghegh), (۲۰۱۲). "A Treatise on Rejecting the Viewpoint of Akhbarians", *Basic Research*, Fourth Year, Vol. ۱۲, Spring, pp. ۱۱۵-۱۴۷.
- Bahrani, Yusuf bin Ahmad, (۱۳۸۵ AH). *Bahrain Loewah in vacations and translations of modern men*, Najaf, Beja.
- Barari, Abazar (۲۰۱۲). *An analysis of the situation in Egypt and future trends*. *Quarterly Journal of Just Peace Diplomacy*, No. ۶, p. ۲۰۹.



Barzegar, Ibrahim (۲۰۰۷). A conceptual framework for understanding Egyptian political developments. *Law and Policy Research Quarterly*, Year ۹, No. ۲۲, pp. ۲۰۴-۲۵۲.

Bashirieh, Hussein (۲۰۰۳). *Teaching political knowledge (basics of theoretical and founding political science)*. Tehran: Contemporary View Publishing.

Bazrafkan, Majid; Javadani Moghadam, Mehdi (۲۰۱۲). *Islamic Awakening and Islamic Movements in the Middle East*. Thanks to Asghar Eftekhari. *Islamic awakening in thought and action*. (Chapter ۹, ۲۹۵-۳۳۵). Tehran: Imam Sadegh University Press.

Becky, Mahdi. (۲۰۱۱). The Egyptian revolution and its future prospects. *Quarterly Journal of Regional Research*, No. ۶, p.۱۵۹.

Blau, Adrian,(۲۰۲۰). *How Should We Categorize Approaches to the History of Political Thought?* Cambridge University Press.

Edor, John ,(۲۰۲۰), John Rawls's Concept of Justice as Fairness, December, *PINISI Discretion Review* ۴(۱):۱۷۹.

Gauba, O. P. (۲۰۰۳). *An introduction to Political Theory*. ۴th ed. Delhi: Macmillan India Ltd.

Ghamezade, vahide(۲۰۱۲). *The Role of the Muslim Brotherhood in the Islamic Awakening in Egypt*, Master Thesis, Supervisor: Arsalan Ghorbani Sheikh Nashan, Kharazmi University.

Gohari Moghadam, Abu Dharr (۲۰۱۲). *Islamic Awakening or Arab Revolutions? A social approach*. In Asghar Eftekhari. *Islamic awakening in thought and action*. (Chapter ۶. ۲۰۷-۲۳۱). Tehran: Imam Sadegh University Press.

Grosser, Florian (۲۰۱۶). *Political Revolution*, University of St. Gallen, Switzerland.

Haghighat, Sadegh, (۱۹۹۹). *Methodology of Political Science*, Qom, Mofid University.

Hakimi, Mohammad Reza (۱۹۹۶), *School of Separation*, Tehran, Islamic Culture Publishing Office, second edition.

Hakimi, Mohammad Reza (۱۹۹۸). *Al-Hayat*, translated by Ahmad Aram, Tehran, Islamic Culture Publishing Office, Vol.

Hakimi, Mohammad Reza (۱۹۹۹), *Ijtihad and Imitation in Philosophy*, Tehran, Islamic Culture Publishing Office, First.

Hakimi, Mohammad Reza (۲۰۰۱). *The intellect is the foundation of religion*. *Hamshahri Mah*, No. ۹.

۱۴۰۱ هجری قمری، شماره ۴، شماره ۱۰۹۳، فصلنامه علمی، پژوهشی، حقوقی، جامعه‌شناسی، سیاسی، ایران، مطالعات

Hakimi, Mohammad Reza (۲۰۰۲). Physical resurrection in transcendent wisdom. Qom, Dalil Ma Publications.

Hakimi, Mohammad Reza (۲۰۰۳), School of Separation, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.

Hakimi, Mohammad Reza (۲۰۱۱), "Definition of Objectivity and Practice of Justice", the website of Allama Mohammad Reza Hakimi.

Hakimi, Mohammad Reza (۲۰۱۲), Islamic Government from the Theory of Quran and Hadith (Book and Sunnah), Tehran: Scientific-Cultural Publications of Life.

Human Good." International Philosophical Quarterly, ۵۸(۳).

Karami, Mustafa (۲۰۱۳). A look at the reasons for the failure of the Muslim Brotherhood to bring about political change in Egypt. Available at Fars News Agency.

Khosropanah, Abdul Hussein, (۲۰۱۲). The Moderate Approach of the Separation Current to Philosophy in the Contemporary Period / Three Periods of the Separation School, Mehr News Agency.

London, Jennifer, (۲۰۱۶). Re-imagining the Cambridge School in the Age of Digital Humanities, Annual Review of Political Science, Vol. ۱۹:۳۵۱-۳۷۳ (Volume publication date May).

Maleki Mianji, Ali, (۲۰۰۳). "School of Separation, Quran, Sufism, Argument", Binat, pp. ۳۹ and ۴۰, tenth year, pp.

Modarresi Tabatabai, Seyed Hossein (۲۰۰۷), School in the Process of Evolution, Tehran, Kavir, Jeldavol.

Niaquai, Sidamir (۲۰۱۱). Recent Developments in the Middle East and North Africa Foreign Relations Quarterly, Third Year, No. ۴, pp. ۲۳۹-۲۷۶.

Nourani, Amir (۲۰۱۲). "Egypt: Islamic Awakening and the Model of Iran". Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies, No. ۲۸, pp. ۱۹۱-۲۱۴.

Poursaid, Farzad (۲۰۱۱). "A Comparative Study of the Islamic Revolution of Iran and the Egyptian Revolution". Quarterly Journal of Strategic Studies, Fourteenth Year, No. ۲, pp. ۱۵۹-۱۹۸.

Qazvini Khorasani, Sheikh Mojtaba and Mohammad Ali Rahimian Ferdowsi, (۲۰۰۳). Quranic theology, Qom, our evidence.

Sadr Haj Seyed Javadi, Ahmad and others, (۱۹۹۶). Encyclopedia of Shiism, Tehran, Shahid Mohebbi Publishing, Volume Five.

Smit, D. and Hulstijn, W. (۲۰۰۷), "Neither Text, Nor Context: An Interview With Quentin Skinner", *Groniek Historisch Tijdschrift*, Vol. ۱۰۷, No. ۱۷۴, pp. ۱۱۷-۱۳۴.

Taqavi, Seyyed Muhammad Ali and others (۲۰۱۴). Roykardhai, political dismantling office; With the support of Nabasmani and Azat-e-Gazini, you have participated in the battles of an Islamic coup, Rehaafat Anglaqib Islami, Shamara ۲۶.

Tiruneh ,Gizachew (۲۰۱۴). Social Revolutions: Their Causes, Patterns, and Phases, <http://www.uk.sagepub.com/aboutus/openaccess.htm>.

Wolfe, C. J., & Jonathan S. J. P. (۲۰۱۸). "A Response to John Rawls's Critique of Loyola on the

Zakerian, Mehdi and Seyed Razi Emadi (۲۰۱۸). ۱ Challenges of Transitional Justice with Authoritarianism in Post-Barak Egypt, Quarterly Journal of International Studies, No. ۲۶, Winter.

zibaee, Mehdi (۱۴۰۰). Arab Revolutions: The Transition from the Four Generations of Revolution Theory, International Studies Quarterly, No. ۶۹, Summer.